

© حجت‌الاسلام و المسلمین، دکتر محمد نقی نظریور، عضو هیئت علمی و مدیر گروه اقتصاد دانشگاه مفید و عضو شورای فقهی بانکداری اسلامی بانک مرکزی، از جمله صاحب‌نظرانی است که برای آگاهی از چندچون نظرات این استاد دانشگاه درباره بانکداری اسلامی و راه‌های تحقق بهتر و بیشتر آن در کشور به گفت‌وگو با وی پرداختیم.

تمرکز و توجه ویژه دکتر نظریور به ضرورت تنوع بخشی به روش‌های تأمین منابع مالی در قالب عقود مختلف اسلامی باعث شد، بخش عمده‌ای از گفتگو با این عضو شورای فقهی بانک مرکزی به دو مقوله استصناع و صکوک اختصاص یابد گرچه نقطه نظرات ایشان در مورد کارکردها و سویه‌های مختلف بانکداری اسلامی نیز بسیار درخور توجه بود.

می‌خواهم گفتگو را با این پرسش آغاز کنم که به اعتقاد شما تأخیر طولانی مدت در بازنگری و اصلاح قانون بانکی بدون ربا از چه عواملی نشأت گرفته است؟ واقعیت اینست که قانون عملیات

در گفتگو با حجت‌الاسلام دکتر محمد نقی نظریور عنوان شد:

## ظرفیت‌های گسترده عقود اسلامی در پاسخگویی به نیازهای مالی امروز اقتصاد



بانکی بدون ربا مبتنی بر فقه بوده و قانون خوبی است ولی در متن این قانون شیوه‌های اصلاح نیامده، بلکه صرفاً مخبر کمیسیون بررسی‌کننده در مجلس شورای اسلامی در سال ۶۲ بیان کرد که این قانون پنج‌ساله اجرا شده و پس از آن مورد بازنگری قرار گیرد ولی در جایی از قانون به این نکته اشاره نشد که این قانون برای ۵ سال اجرا شود. شاید این نکته سبب شد اصلاح آن هنوز پس از ۲۸ سال صورت نپذیرد با اینکه کشورهایی که پس از ایران قانون بانکداری اسلامی را تدوین کردند در اقدامی شایسته به بازنگری آن پرداختند.

بنابراین مجدداً تأکید می‌کنم که اصل قانون ایراد ندارد ولی با توجه به اینکه قوانین بانکی نباید برای دو یا ۳ دهه باشد مطمئناً این قانون نیاز به اصلاح و تکمیل دارد که سریعاً باید اقدام شود. در مرحله اجرا نیز چالش‌هایی وجود دارد که باید برطرف شود درعین‌اینکه اصل قانون نیز نیاز به تکمیل دارد. این قانون خلاف شرع نیست اما در اجرای اصول و ضوابط شرعی در برخی از موارد نیازمند تکمیل و بازنگری است لذا باید برای اجرای بهتر این قانون تلاش کرد و ابزارهای جدیدی مطرح شود و در این خصوص صکوک به طور گسترده قابل استفاده است.

**مهم‌ترین اشکال بانکداری اسلامی را در کجا می‌بینید؟**  
در شیوه اجرا. ممکن است در مقام اجرا یک عقد صوری باشد و در برخی موارد که عقد صوری می‌شود به بطلان عقد منجر می‌شود و در برخی موارد صرف بطلان نبوده بلکه به ربا کشیده می‌شود و لذا نیاز است که در بحث اجرا دقت ویژه‌ای صورت بگیرد.

قراردادی که بین دو طرف بسته می‌شود متن قرارداد با فونت درشت درج شود و به امضاکننده اجازه و فرصت مطالعه داده شود در ضمن اینکه حداقل باید دو روز قبل، متن قرارداد به فرد داده شود تا آن را مطالعه و بعد امضا کند تا متوجه باشد که چه چیزی را امضا کرده است. در ضمن اینکه مشتری باید از متن قرارداد مطلع باشد فردی که از طرف بانک اسناد را تنظیم می‌کند نیز باید از متن قرارداد مطلع

بوده، به امور تسلط داشته باشد که عقد مربوطه چیست و چه شرایط و قیودی را به همراه دارد و پس از انجام قرارداد نیز مانند قراردادهای متعارف تمام دنیا یک نسخه در اختیار مشتری و یک نسخه در اختیار بانک باشد. چه دلیلی وجود دارد که برگه‌های مختلف امضا شود ولی هیچ مدرکی در اختیار مشتری نباشد؟ گویا مشتری مجبور است و هیچ چیزی را متوجه نمی‌شود که این یک برخورد ناشایست در سیستم بانکی است و نیاز به اصلاح دارد تا فرد متوجه باشد در چه چارچوبی و چه عقدی را امضا می‌کند تا به این قرارداد متعهد باشد.

### و چه راهکاری به نظر تان می‌رسد؟

به نظر می‌رسد، مشکل میزان سرمایه‌گذاری و زمانی است که صرف می‌شود و یا اینکه با توجه به حرمت شدیدی که روی ربا وجود دارد چه میزان در سیستم بانکی مقید بوده و خود را از ربا به شکل واقعی جدا کنند لذا ابزارهای مختلفی برای تضمین وجود دارد اما هنوز در آغاز کار بانکداری اسلامی هستیم و راه‌های نرفته زیادی پیش رو داریم. دقت کنید که رشد بانکداری اسلامی در سطح جهانی در سال‌های گذشته بین ۱۵ تا ۲۰ درصد بوده است و این به معنای این است که در نقطه خوبی قرار داریم، اما هرگز نباید به این نقطه اکتفا کرد و باید گام‌های گسترده‌تری را برداشت.

**آقای دکتر اگر موافق باشید، بحث را با دیدگاه اسلامی نسبت به مقوله اقتصاد دنبال می‌کنیم. اصولاً در فضای اسلامی چه مقدار با روش‌های مرسوم در علم اقتصاد همراهی وجود دارد؟**

با یک مثال پاسخ می‌دهم؛ گرچه در تئوری‌های اقتصادی این بحث مطرح است که در آغاز رشد اقتصادی، نابرابری افزایش می‌یابد و این به معنای افزایش ضریب جینی است و در مرحله بعد که رشد اقتصادی به یک حد اعتدال رسید، ضریب جینی کاهش می‌یابد ولی تجربه نشان می‌دهد که ضرورتاً در همه کشورها اینگونه نیست و شواهدی وجود دارد که بیان

می‌کند برخی کشورها همزمان با رشد اقتصادی، شاهد بهبود توزیع درآمد و کاهش ضریب جینی نیز بوده‌اند. بنابراین می‌توان ادعا کرد طراحی سیستمی اسلامی بدون ایجاد نابرابری‌های توزیعی، ادعایی با پشتوانه کافی تجربی است.

### در تحقق هر یک از این دو نتیجه چه عواملی تعیین‌کننده است؟

در همین سیستم، ابزاری در قالب صکوک مشارکت مطرح است که صکوک مشارکت با پشتوانه فعالیت واقعی اقتصاد منتشر می‌شوند و این به معنای عمران، تولید و توسعه است و به دنبال آن رشد اقتصادی است، اما سوال این است که آیا این رشد اقتصادی ضرورتاً به معنای توزیع برابر است.

اگر ایران خودرو رشدی در سایه انتشار اوراق داشته باشد و سهامداران ایران خودرو نیز طیف

### رشد بانکداری

### اسلامی در سطح

### جهانی در سال‌های

### گذشته بین ۱۵ تا

### ۲۰ درصد بوده است

### و این به معنای این

### است که در نقطه

### خوبی قرار داریم،

### اما هرگز نباید به

### این نقطه اکتفا

### کرد و باید گام‌های

### گسترده‌تری را

### برداشت.

عظیمی از مردم باشند که این اوراق را در اختیار دارند، انتظار توزیع برابر می‌رود. ابزاری که برای رشد اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد مهم است. به عنوان مثال اگر در سیستم بانکی به تعدادی دانه‌درشت فقط وام‌های میلیاردری داده شود و بقیه در نوبت باشند اگر سرمایه‌مآزادی بود به هر کدام مثلاً پنج میلیون تومان داده شود، این گونه تخصیص منابع، توزیع درآمد خاص خود را به همراه دارد و در مقابل اگر تسهیلات به شرکت‌های سهامی و تعاونی داده شود نه به افراد محدودی این یک نوع دیگر توزیع درآمد را به همراه خواهد داشت. در عین حالی که ممکن است هر دو شیوه به رشد اقتصادی منجر شود.

### می‌توانید به نمونه‌ای در این

### رابطه اشاره کنید؟

بله. تعاونی یکی از این نمونه‌ها در اقتصاد است. اگر به شرکت‌های تعاونی اهمیت داده شود و مطابق قانون اساسی، رشد تعاونی فزاینده و به ۲۵ تا ۳۰ درصد برسد و تعاونی به شکل واقعی و دقیق خودش در اقتصاد پیاده شود، این به معنای اینست که سود حاصل به یک نفر نمی‌رسد بلکه متعلق به تعداد وسیعی است و در کنار رشد توسعه و پیشرفت، بحث توزیع درآمد و عدالت نیز مطرح است. عدالت مفاهیم گسترده‌ای دارد خصوصاً لازمه تحقق عدالت اقتصادی، رشد اقتصادی و از بین بردن فقر است و از بین بردن فقر از طریق ایجاد اشتغال و امنیت اقتصادی محقق می‌شود.

امنیت اقتصادی که در چارچوب اهداف عدالت اقتصادی بیان می‌شود در قالب استقلال اقتصادی معنا می‌یابد و مجموع این‌ها کشور را به شرایط ثبات سوق می‌دهد لذا شیوه‌ای که برای رشد و توسعه انتخاب می‌شود، می‌تواند کشور را به عدالت سوق دهد و یا آن را از عدالت دور کند.

### آقای نظریور اگر موافقت همین

### بحث را در فضای ابزارهای پولی

### ادامه دهیم. در این حوزه ابزارها

### چه نقشی دارند؟

در اقتصاد اسلامی و به طور خاص در بانکداری اسلامی یک اصل اساسی به نام حرمت ربا و معاملات ربوی است و اکثر فعالان عرصه

**اوراق بهادار  
اسلامی که از آن  
په عنوان صکوک  
تعبیر می‌شود،  
کاملاً کارایی داشته  
و دولت می‌تواند  
برای سیاست‌های  
مالی از آن استفاده  
کند و بانک مرکزی  
در چارچوب  
سیاست‌های پولی  
به خرید و فروش  
آن‌ها بپردازد.**

اقتصاد اسلامی به این نکته توجه می‌کنند. هر چند ممکن است برخی از تفاسیر جدید از بهره وجود داشته باشد که بهره بانکی را متفاوت از ربا بدانند ولی تمام کسانی که ایده بانکداری اسلامی را طراحی و در این حوزه قلم زده‌اند تفاوتی بین بهره و ربا قایل نیستند لذا در طراحی سیستم بانکداری اسلامی نباید از بهره استفاده شود. بر این اساس سازوکارهایی که در بانک در قالب تجهیز و تخصیص منابع طراحی می‌شود مهم‌ترین و کلیدی‌ترین مباحث، مربوط به ربا و حاکمیت بهره است. بین ابزار بانکداری اسلامی با بانکداری متعارف تفاوت وجود دارد و بر این اساس نمی‌توان از ابزارهای پولی و مالی مبتنی بر بهره استفاده کرد. در حالی که تقریباً تمام ابزارهای مورد استفاده در غرب عمدتاً اوراق قرضه است که دولت‌ها و شرکت‌ها منتشر می‌کنند و بانک مرکزی در قالب عملیات بازار باز به خرید و فروش آن می‌پردازد و

یا اوراق قرضه‌ای است که خود بانک مرکزی در قالب عملیات شبه بازار باز منتشر می‌کند.

**آیا این ابزار در بانکداری اسلامی قابلیت کاربرد دارند؟**

در سیاست پولی مهم‌ترین ابزار، عملیات بازار باز است که بانک مرکزی انجام می‌دهد. این عملیات بدین‌گونه است که اوراق بانک مرکزی خرید و فروش می‌کند. ما معتقدیم در حالی که اقتصاد به عملیات بازار باز نیاز دارد تا بانک مرکزی بتواند حجم پول را کنترل، کم و یا زیاد کند ولی این نیاز را نمی‌توان در قالب خرید و فروش اوراق قرضه مبتنی بر بهره پوشش داد بلکه نیاز به ابزارهای جدید داریم و این ابزارهای جدید کاملاً متمایز از اوراق قرضه است. با این حال باید متوجه بود که نپذیرفتن عملیات بازار باز به معنای نپذیرفتن ضرورت اصل عملیات نیست و کارکرد و نحوه به کارگیری این عقود را نمی‌توان پذیرفت و لذا نیاز به استفاده از ابزار جدید است. اوراق بهادار اسلامی که از آن به عنوان صکوک تعبیر می‌شود، کاملاً کارایی دارد، دولت می‌تواند برای سیاست‌های مالی از آن استفاده کند و بانک مرکزی در چارچوب سیاست‌های پولی به خرید و فروش آن‌ها بپردازد. استصناع هم از عقود است که از گذشته رایج بوده، ولی بنا به دلایلی در فقه اسلامی خیلی کاربردی نشده و به طور گسترده از آن استفاده نمی‌شد. ولی اکنون که اکثریت فقها و مراجع معاصر، استصناع را به عنوان عقدی مشروع تلقی کردند و قایل به صحت و مشروعیت این عقد شدند، به کارگیری این عقد با هیچ مانعی در بانکداری اسلامی مواجه نیست.

**به اعتقاد شما اوراق استصناع قابلیت جبران خلل‌های تخصیص منابع را دارد؟**

اوراق استصناع قابلیت دارد تا خلل‌هایی را که در تخصیص منابع وجود دارد، پوشش دهد. اگر از طریق مشارکت مدنی پروژه‌ای بخواهد تأمین مالی شود در دوره ساخت مشارکت مدنی جواب می‌دهد اما

لازم است این قرارداد تسویه شده و دوباره با فروش اقساطی و یا مشارکت تناقصی عقد جدیدی بسته می‌شود اما با فرض اینکه فرد برای تسویه مشارکت مدنی اقدام نکند، قرارداد مراعی باقی می‌ماند. یکی از مشکلاتی که وام‌های مسکن با آن درگیر هستند این مسئله است که یک قراردادی با مشارکت مدنی می‌بندند بعد قرار فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک و یا مشارکت تناقصی می‌باشد در حالی که ممکن است در مدت مقرری که مشارکت مدنی لازم است تسویه شود فرد اقدام نمی‌کند. در حالی که با انعقاد یک عقد استصناع چنین مشکلی پیش نمی‌آید.

**لطفاً قدری در مورد مزایای عقد استصناع توضیح دهید؟**

اخیراً در قانون برنامه پنجم ماده ۹۸ مجلس تصویب و شورای نگهبان تأیید کرد که سه عقد به فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا اضافه شود؛ این سه عقد، عقود استصناع، مرابحه و خرید دین هستند که آیین‌نامه‌های پیشنهادی آن‌ها در شورای فقهی مطرح و به شورای پول و اعتبار ارسال شد؛ این شورا قانون را با برخی از ابهامات برگشت داد که شورای فقهی ابهامات را برطرف کرد و اکنون باید آیین‌نامه آن توسط دولت تأیید نهایی و به بانک‌ها ابلاغ شود. آنچه که در ماده ۹۸ قانون برنامه پنجم آمده است به کارگیری عقد استصناع است و آنچه که بنده در مقالات مختلف انجام داده‌ام چگونگی به کارگیری و ضرورت شکل‌گیری اوراق استصناع است. به عبارت دیگر اوراق استصناع فرآیند اوراق بهادارسازی از عقد استصناع است و چند شیوه برای این فرآیند مطرح است. فرض کنید وزارت نیرو می‌خواهد یک سد را بسازد، طرح تصویب شده اما بودجه لازم برای تأمین مالی آن را در سال جاری ندارند، اگر دولت می‌خواست به صورت نقدی برای این طرح ۹۰۰ میلیون تومان پول پرداخت کند الان باید یک میلیارد تومان با پیمانکار قرارداد ببندد و در اقساط مختلفی به او بدهد؛ اگر چنین توافقی صورت بگیرد قرارداد بسته می‌شود و وزارت نیرو توانایی انجام کار را می‌یابد. باید در اجرا و عملیاتی کردن آن،

موسساتی که اقدام به قیمت‌گذاری و انتشار اوراق استصناع می‌کنند مشخص شوند و همچنین چگونگی ورود این اوراق بورس نیز تبیین شود. در حالی که وزارت نیرو با تصویب بودجه نمی‌تواند وجه نقد این پروژه را تأمین کند می‌تواند به جای پول نقد، در مراحل پیشرفت کار متناسب با آن به پیمانکار اوراق استصناع بدهد، این اوراق می‌تواند پنج‌ساله، دو ساله و یا یک ساله باشد. پیمانکار می‌تواند این اوراق را به بورس ببرد و بفروشد، پول را قبل از سررسید دریافت کند. البته صور دیگری هم متصور است که در تحقیقات این جانب به آن‌ها اشاره شد.

در واقع وزارت نیرو به جای ۹۰۰ میلیون پول نقد، یک میلیارد در زمان‌های جداگانه پرداخت می‌کند. به جای چک و یا ابزار دیگر، اوراق استصناع پرداخت می‌کند و روی این اوراق بهادار به عنوان مثال نوشته شده صد واحد که یک سال آینده می‌تواند از انتشار دهنده اخذ کند؛ یا ۱۵۰ واحد برای دو سال آینده. با توجه به اینکه وزارت نیرو به جای اینکه منتظر تخصیص بودجه برای سال‌های آتی بماند توانسته یک یا دو سال زودتر طرح را اجرا کند و بودجه را در آینده دریافت و به دارندگان اوراق پرداخت کند، این قطعاً به نفع رشد و توسعه اقتصادی است. در ضمن پیمانکار، خریدار اوراق در بورس یا از پیمانکار از این فاصله زمانی استفاده کرده و همان اوراقی که وزارت نیرو به ازای ۹۰۰ میلیون نقدی به این پیمانکار داده با یک سال صبر صد واحد اضافه خواهد گرفت لذا انگیزه‌ای برای خریدار نیز وجود دارد.

**به بیان دیگر می‌توان استصناع را از جنس عقود مبادله‌ای و فرصتی برای افراد ریسک‌گریز دانست؟**

بله، عقد استصناع از عقود مبادله‌ای است نه مشارکتی؛ لذا افرادی که ریسک‌گریز بوده و خواهان وضعیت با ثبات درآمدی در آینده هستند می‌توانند این اوراق را خریداری کنند. البته این شکل ساده موضوع است که پیمانکار یا کسی این اوراق را در بازار می‌خرد اوراق را گرفته، نگه دارد و در پایان سررسید کل

مبلغ را دریافت کند که در این حالت‌ها هیچ اتفاقی جز سیاست مالی انبساطی که وزارت نیرو تأمین مالی شده، مخارج دولت و سرمایه‌گذاری افزایش پیدا کرده است، نمی‌افتد.

اگر گسترده‌تر بررسی شود تا زمانی که سیستم بانکی و بانک مرکزی وارد این قضیه نشده‌اند سیاست پولی اتفاق نمی‌افتد. اما زمانی که افراد اوراقی را که در اختیار دارند به دلایلی به بانک بفروشند و بانک مرکزی توانایی خرید را داشته و مجاز به خریداری اوراق باشند و در واقع بانک مرکزی این اوراق را از بازار ثانویه گرفته و پول به دارندگان بدهد به معنای افزایش حجم پول در جامعه و تحقق سیاست انبساطی پولی است. البته هنگامی که بانک‌های تجاری این اوراق را از بازار خریداری می‌کنند سیاست پولی خیلی رخ نخواهد داد زیرا حجم پول در کل اقتصاد افزایش نمی‌یابد. گرچه از آنجا که بانک‌های تجاری در ضریب تکاثری تأثیرگذارند با اقدامات خود تا حدودی می‌توانند بر حجم پول اثر گذارند.

بانک مرکزی در مرحله اول سیاست انبساطی پولی داشته و در مرحله بعد هنگامی که احساس نیاز به کاهش حجم پول دارد به جای عملیات خرید، عملیات افزایش پول را انجام می‌دهد تا سیاست انقباضی تحقق پیدا کند. البته بحث‌هایی وجود دارد که هنگامی که اقتصاد با شرایط تورمی مواجه است چرا بانک مرکزی این اوراق را خریداری کند و جواب‌هایی مطرح است. از جمله جواب‌های مطرح اینست که سیاست‌های انبساطی پولی به دلایل خاصی شکل می‌پذیرد، جامعه امروز نیاز به نقدینگی دارد، تولید افزایش پیدا می‌کند و به اندازه تولید نیاز به حجم پول نیز وجود دارد لذا در شرایط تورمی نیز همانگونه که در اقتصاد ایران ملاحظه می‌شود، افزایش نقدینگی به میزان محدود عملاً مورد نیاز است که این افزایش نقدینگی می‌تواند از طریق اوراق استصناع باشد.

**پشتوانه اوراق استصناع چیست؟**  
پشتوانه اوراق استصناع پخش حقیقی اقتصاد است؛ مثلاً یک سد ساخته می‌شود لذا برای اقتصاد

مناسب است و در عین حال که دولت تأمین مالی می‌شود کسری بودجه از این شیوه تأمین شده و برای سیاست‌های مالی دولت نیز مناسب است زیرا رشد و تحرکی را در اقتصاد ایجاد خواهد کرد و در مرحله بعد بانک مرکزی نیز می‌تواند وارد این عرصه شده و با خرید و فروش، به اعمال سیاست انبساطی و انقباضی اقدام کند.

### قدری از موضوعات مصداقی فاصله بگیریم؛ به اعتقاد شما الگوی قابل استفاده ما در بانکداری اسلامی برای بهره‌مندی از ابزارهای مالی جهانی چه باید باشد؟

به عقیده من می‌توان از تمام دستاوردهای بشری و شیوه‌های تأمین مالی دنیا در اقتصاد اسلامی استفاده کرد و محدودیتی وجود ندارد اما یک قید و محدودیت اضافه دارد که توسط شرع اعمال شده است، نباید شیوه‌های تأمین مالی مبتنی بر ربا و یا عقود فاسد باشد لذا هرگونه عملیات تأمین مالی که مبتنی بر ربا و یا عقود فاسد نبوده قابل پذیرش است. به عنوان مثال، انتشار اوراق سهام شرکت‌ها که یک گونه مشارکت است، یا شیوه‌های دیگری که مانند اوراق اجاره‌ای شکل بگیرد، اقتصاد اسلامی می‌پذیرد در واقع اقتصاد اسلامی شیوه‌های تأمین مالی متعارف را با قید عدم وجود سیستم ربوی یا اینکه از عقود فاسد استفاده نشود را می‌پذیرد و بر این مبنا آنچه که در اقتصاد اسلامی تحت عنوان تأمین مالی مطرح می‌شود که عمدتاً صکوک مبتنی بر دارایی و بدهی است عنصر ربا حذف شده است.

در سال‌های اخیر صکوک بسیار رشد کرده است و کشورهای مثل مالزی در صف مقدم استفاده از صکوک قرار دارند، فرودگاه کوالالمپور، برج‌های دوقلو و بزرگراه بین این دو در مالزی از طریق اوراق اجاره ساخته شده است. در ایران نیز در برنامه پنجم بحث استفاده از اوراق و صکوک در تأمین مالی دیده شده و در قانون برنامه بودجه سال آینده حدود ۱۱/۵ میلیارد یورو تأمین مالی از طریق صکوک در نظر گرفته شده است؛ لذا صکوک اوراق بهاداری هستند که مبتنی بر عقود شرعی شکل گرفته و



به راحتی می‌تواند پروژه‌های مختلف را تأمین مالی کند.

### بر این اساس انگیزه‌ها و مشوق‌های جذب سپرده چه می‌تواند باشد؟

در بانکداری اسلامی سود در صورتی حذف خواهد شد که عقود مبتنی بر قرض وجود داشته باشند اگر عقود، مبتنی بر قرض باشد اخذ مازاد این عقود اشکال دارد و در واقع به سپرده‌گذار که قرض‌الحسنه به سیستم بانکی پرداخت می‌کند، نمی‌توان سودی پرداخت اما ضرورتی بر سپرده‌گذاری مبتنی بر قرض در همه موارد نیست. در سیستم بانکی سپرده‌های کوتاه، میان و بلندمدت از افراد اخذ می‌شود و از آن‌ها وکالت گرفته می‌شود در عقود که در شرع پذیرفته شده سرمایه‌گذاری کرده و سود حاصل را پس از کسر حق الوکاله به نسبت سرمایه بانک و فرد و بانک توزیع شود. در غالب عقود مبادله‌ای و مشارکتی سودی نصیب فرد سپرده‌گذار یا خریدار اوراق شده، با این تفاوت که سود در عقود مشارکتی پس از اتمام قرارداد مشارکت مشخص اما در عقود مبادله‌ای می‌توان سود را از پیش تعیین کرد. به عنوان مثال شما از فردی درخواست می‌کنید که یک خودرو بخرد و با سود ۲۰ درصدی از پیش تعیین شده طی اقساط مشخص به شما بفروشد و در واقع از او قسطی به مبلغی خریداری می‌کنید که حاوی سود برای او باشد. این معامله بیع حلال است و قطعاً ربا نیست.

اگر تجارت و یا عقد مباحه را بپذیرید بدین گونه است، البته در اقتصاد اسلامی نرخ‌ها به شکل توافقی بر اساس قیمت بازاری مشخص می‌شوند و اگر قیمت‌ها براساس توافق پذیرفته شود، اشکالی ندارد و این توافق نباید به اجحاف برسد و یا شرایط انحصاری به گونه‌ای باشد که فرد مجبور به پرداخت قیمت مازاد شود.

در عقود بانکی حداقل‌ها و حداکثرهای نرخ‌ها را بانک مرکزی تعیین می‌کند و نباید نگران میزان نرخ‌ها بود در حدی که براساس توافق بوده و اجحاف نباشد به عنوان یکی از اصول حاکم بر کل روند مطرح است. ●

ممکن است در مقام اجرا یک عقد صوری باشد و در برخی موارد که عقد صوری می‌شود به بطلان عقد منجر می‌شود و در برخی موارد صرف بطلان نبوده بلکه به ربا کشیده می‌شود و لذا نیاز است که در بحث اجرا دقت ویژه‌ای صورت بگیرد.